

کوئٹہ نمبر ۱۱۱ اشکانی



مجلهٔ باستان شناسی و تاریخ

(پوست شماره ۱)



فهرست

صفحه	عنوان
پنج	فهرست طرحها
هفت	فهرست عکسها و نقشه‌ها
یازده	دبیاچه
۱	فصل اول گورهای پارتي مغان آذربایجان
۱	آغاز کاوش
۳	موقعیت جغرافیایی
۴	رودخانه‌ها
۴	موقعیت طبیعی و کیفیت استقرار اقوام کهن در دره‌های گرمی
۵	کاوش در تپه خرمن امستان علیا (قریه شیخلر)
۵	روش تدفین
۶	کاوش در تپه کنیری
۶	کارگاه اول (ترانشه اول)
۸	حفاری در آیری زمین
۸	ترانشه الف و ب
۱۱	آثار مفرغی
۱۱	ابزار و آلات آهنی
۱۱	قدمت
۱۱	کاوش در تپه پیه‌درق
۱۲	کاوش در تپه حاتم پیه‌درق
۱۲	ترانشه‌های ۱، ۲، ۳، ۴
۱۲	ابزار جنگی
۱۲	مجسمه‌های سفالین (ابریق)
۱۴	آلات زینتی
۱۴	قدمت
۱۴	دهکده سلاسه

صفحه	عنوان
۱۲	کاوش در تپه همت سلاله
۱۷	حفاری در جوجیران
۱۷	حفاری در اراضی گیشاغ اوستی (وان)
۲۱	توضیحات و ارجاعات
۲۳	عکسها
فصل دوم آداب تدفین و میراث گورخفتگان	
۲۱	تطور تدفین
۲۱	قبور و روشهای مختلف تدفین دوران اشکانیان در گرمی مغان
۲۲	ساختمان مقابر اشکانیان و دورانهای تحول آن
۲۲	روش اول، گورهای سنگی (۵۸ ق م تا ۴ م)
۲۲	روش دوم، گورهای خمره‌ای (۷۸-۴۰ م)
۲۲	روش سوم، گورهای خمره‌ای (۱۹۱-۷۸ م)
۲۲	روشهای دیگر تدفین
۲۵	مقایسه سه نوع مقبره و مدفن در جبهه شرقی معبد کنگاور با مقابر خمره‌ای مغان
۲۵	سفالگری اشکانیان در گرمی مغان
۲۷	سکه‌های اشکانی
۵۷	آلات و ابزار برنزی و آهنی
۵۹	دیگر وسایل و ابزار زندگی و کار
۵۹	سنگهای وزنه
۵۹	دوکهای پشم‌ریسی
۶۰	جام یا ساغر و قنددان چوبی
۶۱	سبد
۶۱	حصیر و بوریا
۶۲	زر و زیور و لوازم خودآرایی
۶۲	گردنبند
۶۲	انگشتری
۶۳	گوشواره
۶۴	النگو و دستبند مفرغی و نقره‌ای
۶۴	حلقه بینی
۶۶	وسمه جوش برنزی
۶۶	آسیای سنگی برای نرم کردن گردهای آرایشی
۶۶	آیینة برنزی
۶۶	دکمه‌های لباس و سنجاق سر و لباس
۶۷	توضیحات و ارجاعات
۶۸	عکسها
۷۱	کتابنامه
۱۰۵	نقشه‌ها

فهرست طرحها

صفحه	عنوان
۲	طرح ۱. طرحهایی از ظروف سفالین - نیمرخ حیوانات اهلی
۷	طرح ۲. پلان و برش - چگونگی استقرار اموات در خمره - تپه کنیری
۹	طرح ۳. آیری زمین - ترانسه الف و ب - تعداد گورهای خمره‌ای مدفون
۱۰	طرح ۴. آیری زمین - ترانسه الف و ب - توزیع گورهای خمره‌ای اشکانی
۱۱	طرح ۵. دو تبر آهنی مکشوفه از دو گورخمره - آیری زمین
۱۲	طرح ۶. دو ظرف سیاهرنگ مکشوفه از دو گورخمره - تپه پیه درق
۱۳	طرح ۷. تیغه پیکان آهنی - پیه درق
۱۳	طرح ۸. چهار مجسمه مجوف سفالین - گورخمره‌های تپه پیه درق
۱۴	طرح ۹. آینه مدور مفرغی با نقش گل چهارپر - گورخمره‌های تپه حاتم پیه درق
۱۵	طرح ۱۰. تپه سلاله - ترانسه‌های ۱ و ۲ و ۳ - توزیع گورهای خمره‌ای
۱۷	طرح ۱۱. کوزه دوآبریزه - تپه چوجیران
۱۸	طرح ۱۲. پلان و برش - چگونگی استقرار اموات در گورهای سنگی - گیشتاغ اوستی وان
۱۸	طرح ۱۳. زینتهای نقره و گوشواره و دستبند - گورهای سنگی تپه گیشتاغ اوستی وان
۱۹	طرح ۱۴. دو نمونه از ظروف سفالین مکشوفه از قبور سنگی گیشتاغ اوستی وان
۲۰	طرح ۱۵. سکه‌های مکشوفه از گورهای سنگی وان
۲۰	طرح ۱۶. گورخمره‌های گورستان دوران اشکانیان در طاق بستان کرمانشاه
۴۶	طرح ۱۷. سفالینه‌های مکشوفه از گورخمره‌های اشکانی - تپه همت سلاله
۴۸	طرح ۱۸. پیاله‌های مکشوفه
۴۹	طرح ۱۹. پیه‌سوزهای سفالی
۴۹	طرح ۲۰. قمقه سفالی زوار - گیشتاغ اوستی وان
۵۰	طرح ۲۱. ظروف سفالی با دهانه گلابی شکل - گرمی مغان
۵۱	طرح ۲۲. نیمرخ ظروف سفالین همشکل از چوجیران و آیری زمین
۵۲	طرح ۲۳. نیمرخ سفالینه‌های مکشوفه از کنیری و چوجیران
۵۳	طرح ۲۴. کوزه‌های سفالی دوره اشکانی
۵۳	طرح ۲۵. کوزه سفالین با دو پایه مجوف - گورخمره‌های تپه چوجیران

- ۵۳ طرح ۲۶. کوزه سفالی دسته دار و لوله دار - گورخمره های تپه چوجیران
- ۵۴ طرح ۲۷. فنجان سفالی - گورخمره های تپه چوجیران
- ۵۴ طرح ۲۸. پیاله سفالی با دو دسته - گورخمره های تپه چوجیران
- ۵۴ طرح ۲۹. ظرف سفالی به شکل قوری - گورخمره های تپه آبری زمین شیخلر
- ۵۵ طرح ۳۰. فنجان سفالی - گورخمره های تپه آبری زمین شیخلر
- ۵۵ طرح ۳۱. آبخوری سفالی - گورخمره های تپه آبری زمین شیخلر
- ۵۵ طرح ۳۲. ظرف سفالی ساده - گورهای سنگی تپه گیشتاغ اوستی وان
- ۵۵ طرح ۳۳. ابريق سفالين - گرمی مغان
- ۵۶ طرح ۳۴. نیمرخ ظروف آیینی - گورخمره های تپه پیه درق
- ۵۸ طرح ۳۵. ابريقهای سفالين - گرمی مغان
- ۶۰ طرح ۳۶. دوکهای پشم ریزی - گورخمره های تپه خرمن
- طرح ۳۷. جام چوبی خراطی شده از چوب انار یا زیتون - گورخمره های تپه خرمن سلاله
- ۶۲ طرح ۳۸. قنددان چوبی - گورخمره های تپه خرمن سلاله
- ۶۲ طرح ۳۹. انگشتری با نگین شیشه و قاب برنزی و نقش محکوک نیم تنه انسانی به سبک یونانی - گورهای سنگی تپه گیشتاغ اوستی وان
- ۶۴ طرح ۴۰. حلقه مفرغی با دو برجستگی که یکی از آنها شبیه سر پرنده است - گورخمره های تپه خرمن سلاله
- ۶۴ طرح ۴۱. انگشتری شکسته مفرغی - گورخمره های تپه آبری زمین شیخلر
- ۶۴ طرح ۴۲. دو عدد گوشواره زنگوله ای مفرغی - گورخمره های تپه حاتم پیه درق
- ۶۴ طرح ۴۳. النگوی نقره مزین به سر مار - گورهای سنگی تپه گیشتاغ اوستی وان
- ۶۵ طرح ۴۴. دو عدد النگوی مفرغی - گورهای سنگی تپه گیشتاغ اوستی وان
- ۶۵ طرح ۴۵. زنجیر چهار حلقه ای مفرغی - گورهای سنگی تپه گیشتاغ اوستی وان
- ۶۵ طرح ۴۶. النگوی نقره ای مفتولی شکل - گورهای سنگی تپه گیشتاغ اوستی وان
- ۶۵ طرح ۴۷. النگوی نقره ای با خطوط تزئینی در دو سر آن - گورهای سنگی تپه گیشتاغ اوستی وان
- ۶۵ طرح ۴۸. دستبند مفرغی ساده پهن - گورخمره های تپه حاتم پیه درق
- ۶۵ طرح ۴۹. یک جفت حلقه مفرغی ساده - گورخمره های تپه حاتم پیه درق
- ۶۶ طرح ۵۰. حلقه مفرغی ساده - گورخمره های تپه حاتم پیه درق
- ۶۶ طرح ۵۱. یک جفت حلقه مفرغی ساده - گورخمره های تپه حاتم پیه درق
- ۶۶ طرح ۵۲. یک جفت حلقه مفرغی ساده مفتولی - گورخمره های تپه حاتم پیه درق
- ۶۶ طرح ۵۳. حلقه بینی مفتولی طلا - گورخمره های تپه خرمن سلاله
- ۶۶ طرح ۵۴. وسه جوش برنزی دسته دار با سه مجسمه کوچک گنجشک روی دسته - گورخمره های تپه خرمن سلاله
- ۶۷ طرح ۵۵ (رنگی). رو و پشت پارچه بشمی مکشوفه - تپه همت سلاله
- ۹۸

دیباچه

ایرانی، در تاریخگذاری ابریه‌های سفالین که در خارج از کشور آنها را متعلق به پیش از تاریخ می‌دانستند تجدید نظر شد.

گورهای خمره‌ای علاوه بر ایران، در سواحل مدیترانه (سوریه و اردن) و عراق و نیز در بخشی از اروپای شرقی یافت شده‌اند. تصور بر این است که تیره‌ای از اقوام داهه به هنگام مهاجرت در اروپا نیز اقامت کرده باشند. دسته‌دیگری از داهه‌ها نیز در افغانستان کنونی مستقر شدند و روش تدفین در نزد آنان نیز با اندکی تفاوت به همین شکل بوده است. همچنین گورخمره‌هایی متعلق به ۲۵۰۰ ق م در تپه گیان نیاوند یافت شده‌اند.

مصریان باستان اعتقادات پیچیده‌ای در مورد زندگی پس از مرگ داشتند و اهرام را نیز بر مبنای همین اعتقادات هر چه عظیمتر و باشکوهتر از کاخ زمان حیات فرعون بنا می‌کردند تا فرعون در دنیای پس از مرگ آسوده زندگی کند. در ایران باستان نیز تا اندازه‌ای به زندگی در دنیای پس از مرگ اعتقاد داشتند. در دوره‌های ایلام میانی، در چغازنبیل و هفت‌تپه خوزستان، در دخمه‌ها و سردابهای زیرزمینی، مدفنهایی بزرگ و مستحکم برای شاه و خدمه می‌ساختند؛ اما همواره گور و دخمه بخش کوچکی از کاخ و زیگورات و مقر فرمانروایی را تشکیل می‌داد.

در دورانهای تاریخی ایران، به ویژه در دوران هخامنشیان و ساسانیان، به زندگی در این دنیا بیشتر اهمیت می‌دادند تا دنیای پس از مرگ. کاخ شاهان هخامنشی و ساسانی بسی مجللتر از مقبره آنها ساخته می‌شد. مقابر شاهان در هر دو دوره دخمه‌ها

در پی انتقال غیرقانونی ابریه‌های سفالینی از ایران به بازارهای عتیقه و فروش آنها در حراجیه‌های معروف خارج از کشور و گشایش پرونده‌ای با عنوان «کاوشهای غیرمجاز در آذربایجان و اردبیل»، در سال ۱۳۴۴ شمسی، مؤلف مأموریت یافت در مقام سرپرست هیئتی به منطقه برود و مراکز اصلی این آثار را بیابد. عمده‌کاوشهای این هیئت در گرمی، مرکز دشت مغان، و اطراف آن صورت گرفت. حاصل این کاوش سه ماهه دستیابی به گورهای خمره‌ای ۲۲۰۰ ساله متعلق به دوران اشکانیان بود، هرچند که بخش وسیعی از منطقه را حفاران غیرمجاز قبل از ورود هیئت حفاری کرده و میراث گورها را به غارت برده بودند.

تاریخگذاری و تعیین قدمت اشیای داخل گورهای پارتی براساس شناسایی سکه‌هایی صورت گرفت که عمدتاً از زیر سر مردگان به دست آمد. مهمترین میراث مکشوفه از گورخمره‌های اشکانی تکه پارچه پشمینه‌ای است که نقش اصلی آن صلیب شکسته (سواستیکا) است که در میان نقوش فرعی شطرنجی و کنگره‌های کلیدی یونانی محصور شده است. این منسوج جای خالی بین بافته‌های پشمی عهد هخامنشی و منسوجات دورانهای ساسانی و اسلامی را پر می‌کند. دیگر یافته‌ها سابقه وجود صنعت خراطی و حصیربافی و سفالگری را در آن زمان به اثبات می‌رساند. سفالینه‌ها مجسمه‌هایی مجوف از گاو میش، گاو، قوچ، میش، بز، شتر و غیره‌اند که در آنها مایعات مقدس می‌ریخته‌اند. در نتیجه کاوش و بررسی هیئت باستان‌شناسان

واستودان (استخوان دان) هایی بودند که بر فراز کوهها تعبیه می شدند، مانند دخمه های نقش رستم و تخت جمشید.

اشکانیان که از اقوام داهه و تیره ای از بیابانگردان سکایی بودند پس از استقرار در سرزمین ایران، به سنت آبا و اجدادی، قبور مردگان خود را به صورت چهارچینه سنگی بنا می کردند. آنان رفته رفته از سامیان و یونانیان روش تدفین در خمره و تابوت را اخذ کردند. برخی از باستان شناسان معتقدند که اشکانیان هنگامی گورخمره و تابوت را برای تدفین اموات برگزیدند که به دین زرتشتی گرایش یافتند و از آلودن خاک پاک با اجساد پرهیز کردند. مؤلف معتقد است که این قوم برای جلوگیری از تباهی و فساد اجساد و میراث مردگان، گورخمره ها را جانشین گورهای چهارچینه سنگی کرده اند. در برخی موارد بر اثر اندود کردن خمره ها و رعایت عمق زیاد مدفنها و انسداد کامل دهانه خمره ها، هوا به درون آنها نفوذ نکرده و اسکلت و میراث مردگان نسبتاً سالم مانده است. اشکانیان علاوه بر گورخمره، از تابوت سفالین نیز استفاده کرده اند. نمونه های بسیاری از تابوتهای ساده در کنگاور و همدان و نوع لعابدار آن از شوش و گلالک شوشتر

یافت شده اند و در موزه ملی ایران نگهداری می شوند. نمونه دیگر گور ماوانگ - توتی در چین است که مربوط به سال ۲۰۶ ق م و همزمان با قبور گرمی مغان است. در این گور با اجرای تمهیداتی، از جمله تعبیه دو قشر قطور خاک زغال فشرده و خاک چینی در اطراف تابوتها، اجساد فرماندار و همسر و فرزندش و نیز تمام اشیای داخل تابوتها کاملاً سالم مانده است. بدین ترتیب، در نزد اقوام آسیای غربی، میانه، و شرقی تهیه وسایل و اسباب و اجرای شیوه هایی که مردگان از شر دشمنان موهوم و از فساد و تلاشی در گور تا پایان راه محافظت شوند مرسوم بوده است.

گورخمره های اشکانی گزارشی است شامل مراحل کاوش و دستیابی به گورها، آداب تدفین مردگان اشکانی، بررسی تصویر زندگی پس از مرگ در نزد مردمان آن دوران، آلات و ابزار زرو زیور و لباس، و صنایع دستی چوبی و سفالی ساکنان منطقه که میراث مردگان را تشکیل داده است. امید است که انتشار این گزارش تحقیقی برای باستان شناسان و مورخان سودمند افتد.

گورهای پارتی مغان آذربایجان

آغاز کاوش

چند دهه پیش ابریه‌های سفالین نوظهوری به شکل حیوانات اهلی در بازارهای عتیقه اروپا و امریکا پیدا شده بود که عمدتاً به آذربایجان شرقی و اطراف اردبیل منسوب می‌شد. بازرگانان بین‌المللی عتیقه با بهره‌گیری از کشفیات دومورگان که در اواخر قرن نوزدهم در طالش ایران و روسیه به عمل آمده بود، این ظروف سفالین عجیب و غریب را به‌دوران پیش از تاریخ و اوایل هزاره اول ق م نسبت می‌دادند و به اسم «ریتون» به مجموعه‌داران و بنیادهای آثار هنری و فرهنگی عرضه می‌کردند (طرح ۱).

فروش و انتقال غیرقانونی این سفالینه‌ها به بازارهای عتیقه و حراجیه‌های معروف لندن و پاریس بحث و جدلی را بین باستان‌شناسان و مراکز مسئول فرهنگی آن زمان برانگیخت. از اخبار پراکنده پرونده‌ای با عنوان «کاوشهای غیرمجاز در آذربایجان و اردبیل» مفتوح شد و برای شروع کار، از چند نفر از مجموعه‌داران معروف داخلی در این باره پرسش کردند که نتیجه‌ای هم حاصل نشد. بدون شک آنها از صدور غیرقانونی عتیقه‌های آذربایجان آگاهی کامل داشتند، ولی در تکاپوی یافتن کلاهی از این نمذ سکوت کردند و خود را بی‌اطلاع نشان دادند و کوشش داشتند برای مجموعه‌ها و بساط خود تعداد هرچه بیشتری از این مجسمه‌ها را که بازار پررونقی یافته بود به‌چنگ آورند تا در قبال دریافت وجوه کلان از بنیادها و مراکز فرهنگی و هنری بیگانه، میراث ملی کشور را صادر و به‌واقع غارت کنند.

سرانجام دایره این غارت و چپاول آن چنان گسترده شد که بوق آن بر سر بازارهای عتیقه خیابان منوچهری نیز به صدا درآمد، تا آنجا که برخی از سازندگان عتیقه‌های تقلبی این بازار به بدل‌سازی سفالینه‌ها و فروش آن به هر رهگذر طالب و حریصی دست یازیدند. در جریان این جنجال بود که در تابستان سال ۱۳۴۴ خورشیدی، مرکز باستان‌شناسی ایران به‌نگارنده مأموریت داد تا در رأس هیئتی از باستان‌شناسان رهسپار اردبیل شود و میدانها و مراکز

اصلی این آثار سفالین را بیابد و آنها را بررسی و در آنجا کاوش کند.^۱ با چند نفر باستان‌شناس، مجهز به وسایل مختصر و براساس تحقیق و بررسی مقدماتی، ابتدا به صوب اردبیل عازم شدیم و پس از مرور پرونده‌های اداره آموزش و پرورش این شهر و یافتن سرنخهایی وارد یکی از بخشهای مشکین‌شهر (خیابان) و مرکز دشت‌مغان یعنی «گرمی»^۲ شدیم. مطالعه و دقت در سوابق و پرونده‌های ژاندارمری و بخش‌داری گرمی موجب شد که با ادامه سفر، در ماورای دره‌ها و کتلهای دشت‌مغان و در کنار «بالهارود» بخشی از خط مرزی ایران با اتحاد جماهیر شوروی [سابق] مستقر شویم.

بالهارود در دره‌ای نه‌چندان عمیق جریان دارد که در مراتع بالادست آن احشام ساکنان بومی دو طرف به‌چرا مشغول‌اند. محل استقرار چادرهای هیئت در حاشیه جنوبی رودخانه و زیر نظر برجهای دیده‌بانی روسی بود و حتی صدای مکالماتشان شنیده می‌شد. البته آنها هم گفتگوهای ما را می‌شنیدند و علاوه بر آن با دوربین‌هایشان نیز همه‌چیز و همه‌کس را می‌دیدند، زیرا هنگامی که هیئتی از باستان‌شناسان ژاپنی که در گیلان حفاری می‌کرد برای تبادل اطلاعات تخصصی و مشاهده کاوشها با چندین جیب و لندرور از دره‌ها گذشت و وارد حوزه فعالیت ما شد، روسها از مرزبانان هموطنمان توضیح خواسته بودند که این چشم‌بادامیها در کنار مرز چه می‌کنند. این را ما از پیغام فرمانده مرزبانی دریافتیم؛ حال آنکه هیئت ژاپنی قبلاً از طریق بخش‌داری اجازه ورود دریافت کرده بود و حتی یک نفر راهنما از افراد مرزبانی منطقه آنها را همراهی می‌کرد.

باری، فعالیت هیئت ما در شرایطی بسیار سخت و طاقت‌فرسا و در هوای شرجی و بسیار گرم در کنار دهکده شیخ‌لر، روستایی با ۱۰ خانوار جمعیت و ۳ ساعت فاصله از بخش گرمی، آغاز شد. آب جاری روستا، گرچه آب مصرفی اهالی بود، برای ما قابل شرب نبود و بدین سبب به همت راننده و دو نفر کارگر